

## روایت



روایت مادر شهید مدافع حرم لشکر فاطمیان سلیمان میرجانی از فرزندش

## ولایت‌مداری سلیمان را هم آغوش شهادت کرد

■ **صغری خیل‌فرهنگ**

هر چند برای مادر شهید میرجانی گذتن از فرزندش سخت بود، اما همراهی‌مان کرد تا یازندگی خودش و فرزند شهیدش بیشتر آشنا شویم.
مرور زندگی پروانه اخلاقی، مادر شهیدمدافع حرم لشکر فاطمیان سلیمان میرجانی، رسم ولایت‌مداری را در این خانواده پیش از هر چیز دیگری به رخ می‌کشد. پدر پروانه عاشق امام بود و به همین خاطر مدرسه علمیه‌ای که در عراق بود را وقف کرد و به اجبار صدام از عراق خارج شد. او راه سوریه را پیش گرفت و از همجواری با اهل بیت(ع) عاقبتی مثل شهادت برای نوه‌اش رقم خورد.

### آخراج از عراق

پروانه اخلاقی، مادر شهید سلیمان میرجانی متولد نجف است. پدرش اهل افغانستان و مادرش ایرانی است. پدر او از استاید حوزه علمیه و صاحب مدرسه‌ای دینی در عراق بود که به صاحب عشق به امام خمینی(ره) و دیدار با ایشان از عراق اخراج شد و راه سوریه را در پیش گرفت تا سال‌های باقیمانده از عمرش را در جوار بنت امیرالمؤمنین علی(ع) بگذراند.
سال‌ها بعد پروانه اخلاقی در سوریه به مردی که اهل افغانستان بود و برای کار به سوریه آمده بود، ازدواج کرد و بعدها به ایران مهاجرت کردند.
ماحصل زندگی‌شان دو پسر و چهار دختر بود که همگی در ایران متولد شدند.

■ **دانشجوی کامپیوتر**

خانواده میرجانی، سال ۱۳۸۰ ایران را به قصد وطن ترک کردند و به افغانستان بازگشتند.
زندگی خوب و آرامی داشتند. مادر شب‌های سرد زمستان و روزهای گرم تابستان را با خاطرات زندگی در عراق، گذشتن از حب به اهل بیت(ع) و عشق به امام(ره) به فرزندانش می‌گذراند.

سلیمان متولد اول مرداد ۱۳۷۵ بود. او در رشته کامپیوتر تحصیل می‌کرد و درآمد خوبی هم داشت. بعد از تعطیلات به قصد زیارت و

دیدار با اقوام راهی ایران شد. کسی نمی‌دانست این سفر برای او راه سعادت خواهد شد و در جوار حضرت زینب(س)باشهادت عاقبت بخیر خواهد شد.

## د

سلیمان سلاح پسر دایی‌هایم شهیدان عباس شفغیانی نژاد و قاسم حکمتی را که در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند در جبهه مقاومت به دست گرفت و در این راه آسمانی شد.
پیکر شهیدای دفاع مقدس خانواده‌مان در بهشت رضای مهد دفن شده است.

### جدول

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

## مقاومت

ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۸۱



گفت‌وگوی «جوان» با همسر شهید مدافع حرم جاویدالاثر رضا عباسی شهید شاخص ۱۴۰۱ بسیج اصناف

# می‌گفت حضور در جبهه مقاومت قدمی در مسیر ظهور منجی است

■ **مبینا شانلو**

متولد سال ۱۳۵۸واهل کرمانشاه بود. غیور مردی که در لباس مکانیک و تعمیرکار خودرو به مردم‌ش خدمت می‌کرد و خیر بود. در مسیر تهران به مشهد، با اسداد خودرواش می‌ایستاد و به خودروهای در راه مانده مردم کمک می‌کرد. نیت کرده بود تا رسیدن به حرم، خادم زوارش باشد. با ظهور داعش و تکفیرها در سوریه، غیرت دینی رضا اجازه تعلل نداد و هرطور که بود خودش را به جبهه مقاومت رساند. او به سختی و بعد از دو سال پیگیری مداوم لباس مدافعان حرم را به تن کرد. بارها این جمله را از مسئولان شنیده بود: «تو نظامی نیستی و وظیفه‌ای برای اعزام نداری!» اما رضا دست‌بردار نبود که نبود. او بسیجی و عاشق امام زمان(عج) و اهل خدمت بود. یک منتظر واقعی ظهور که تلل نکرد و راهی میدان جهاد شد. رفت و نپایتا در ۲۱ دی ۱۳۹۴در منطقه عملیاتی خان طومان به شهادت رسید و جاویدالاثر شد. به بهانه روز بسیج اصناف به سراغ خانواده شهید جاویدالاثر رضا عباسی رفتیم که امسال به عنوان شهید شاخص این قشر انتخاب شده است.

### ساده و بی‌آلایش

اعظم بیژنی، همسر شهید جاویدالاثر رضا عباسی از آشنای خود با ایشان می‌گوید: «رضا متولد آبان ۱۳۵۸کرمانشاه بود. خانواده‌های‌مان با هم فامیل و نسبت به هم شناخت کافی داشتیم. ابتدا پیشنهاد ازدواج از طرف مادر و خواهرشان مطرح و قرار بر این شد برای شناخت بیشتر چند بار با هم صحبت کنیم. ایشان در همان جلسات اول آشنایی گفت من دوست دارم الگوی ما در زندگی مشترک اقا امیرالمؤمنین(ع) و خانم فاطمه زهرا(س) باشند. این صحبت‌شان خیلی برابم جالب و دلنشین بود.

من از خدا همسری خواسته بودم که حالا ویژگی‌هایش را می‌دیدم و با تمام ویژگی‌های شخصیتی اقا رضا مطابقت داشت. همین اخلاق و روحیات ایشان بود که باعث شد جواب من به پیشنهادشان مثبت باشد. ما مرداد ۱۳۸۱ عقد و سال ۱۳۸۲ مراسم عروسی ساده‌ای برگزار کردیم. حدود هفت ماه با پدر و مادر ایشان زندگی می‌کردیم و بعد به خاطر شغلیش که تازه حرفه

مکانیکی را آموزش دیده بود، به استان تهران و شهرستان ملارد آمدم و زندگی بسیار ساده و بدون تجملات خودمان را شروع کردیم. ما بر عهدی که بسته بودیم ثابت قدم ماندیم. عهد کرده بودیم سیره زندگی اقا امیرالمؤمنین(ع) و خانم حضرت فاطمه زهرا(س) را در پیش بگیریم. که به لطف خدا همین هم شد.»

همسر شهید در ادامه می‌گوید: «از همان ابتدای زندگی تا زمان شهادت اقا رضا، خیلی چیزها را از ایشان یاد گرفتیم. همیشه هر حرفی می‌زد به آن عمل می‌کرد. هر کاری هم انجام می‌داد فقط برای رضای خدا بود. هر وقت مشکلی در خانواده‌شان پیش می‌آمد ایشان پیش قدم می‌شدند و سعی می‌کردند مشکل را حل کنند. زندگی‌شان شرافتمندانه و کسب روزی حلال و دغدغه‌شان بود. به یكدیگر قول دادیم کنار هم به خدا بیشتر نزدیک بشویم، قول دادیم فرزندان صالح، سالم و با اخلاق تربیت کنیم که روزی ما نشد؛ ما فرزندی نداریم.»

■ **مساعدت‌های بی‌بی زینب(س)**

همسر شهید مخالفت‌های خودش برای اعزام شهید به جبهه مقاومت را اینطور بیان می‌کند: «ما خیلی به هم وابسته و عاشق هم بودیم، برای همین هیچ‌گاه نمی‌خواستم از دستش بدهم. اصلاً به همین خاطر فکر نمی‌کردم یک روزی بتواند

دل بکند و شهید شود. به رضا می‌گفتم، وقتی نیستی خیلی اذیت می‌شوم، اگر خودت می‌آوری؟ چطور زنده بمانم.» اول راضی نبودم به سوریه بروم. هر کاری می‌کرد من راضی نمی‌شدم تا اینکه یکبار به من گفت: «اگر زمان عاشورا بودی، امام حسین(ع) را تنها می‌گذاشتی! چون الان به من اجازه نمی‌دهی که بروم، اگر می‌توانی جواب نمی‌کشیدند و تا لیخنه رضایت بر لبان زائران امام‌زرا(ع) جاری نمی‌شد، دست از کار نمی‌کشیدند و در قبال این کار هیچ هزینه‌ای هم دریافت نمی‌کردند و همین‌اش جمله‌را می‌گفت، اجرت من خشنودی امام زمان(عج) است. پس برای تعجیل در فرج مولای‌مان حضرت

حجت صلواتی بفرستید.»
■ **شما نظامی نیستی!**
همسر شهید از روزهای اعزام رضا به جبهه مقاومت روایت می‌کند: «شهید عباسی به عشق امام زمان(عج) راهی سوریه شد و چون به عنوان یک فرد منتظر، هر لحظه و هر مکان سعی می‌کرد



## جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۵۶۴

## د

در روزهای گرم و هنگام کار روزهاش ترک نمی‌شد. سعی می‌کرد هر روز یک جزء قرآن را تلاوت کند. علاقه شدیدی آقا رضا به مقام معظم رهبری از دیگر ویژگی‌هایش بود. همیشه سخنرانی ایشان را گوش می‌داد و به فرمایشات ایشان عمل می‌کرد

توان مالی برای ازدواج نداشتند، بی‌تفاوت نبود و به صورت پنهانی و مخلصانه به آنها کمک می‌کرد وبعد از شهادت او همان فقرا نبود ایشان را احساس می‌کنند و از کمک‌های او بسیار می‌گویند که تا به حال کسی خبر نداشته است. یک روز قبل از اعزام بدون اینکه کسی باخبر شود، برای آزادی یک جوان سند خودرواش را می‌گذارد و جوانی را که امید والدین پیرش بود، آزاد می‌کند.

بارزترین ویژگی اخلاقی شهید عباسی، نماز اول وقتش بود. از زمان ازدواج تا شهادت حتی یک روز روزهاش قضا نشد. در روزهای گرم و هنگام کار هم روزهاش ترک نمی‌شد. سعی می‌کرد هر روز یک جزء قرآن را تلاوت کند. علاقه شدید آقا رضا به مقام معظم رهبری از دیگر ویژگی‌هایش بود. همیشه سخنرانی ایشان را گوش می‌داد و به

فرمایشات ایشان عمل می‌رد.»

همسر در وصیت‌نامه‌اش نوشته است: «جدایی از هم‌بری، جدایی از امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) است.» در آخرین تماس تلفنی به من تأکید کردند که صدقه دادن برای رهبری را هرگز فراموش نکنم. خودش هم همیشه برای سلامتی آقا و همینطور امام زمان(ع) صدقه می‌دادند.

شهید اهل کار خیر بود و به فقرا و نیازمندان کمک می‌کرد. هر روز که از مکانیکی برمی‌گشت نصف درآمدش را برای فقرا و باقی‌اش را برای هزینه‌های منزل کنار می‌گذاشت همیشه می‌گفت برای کار خیر سوریه به پایان برسد، باید به کشورهای دیگر و دفاع و مظلوم دیگر همچون فلسطین بروم و از آنها دفاع کنم.

### خان طومان و جاویدالاثری

همسر شهید درباره نحوه شهادت و جاویدالاثری پیکر شهید عباسی می‌گوید: «رضا در ۱۴ دی ۱۳۹۴ به سوریه اعزام شد و ۲۱ دی ۹۴در منطقه خان طومان حلب به شهادت رسید. زمانی که گردان فاتحین به منطقه عملیاتی اعزام شدند با حجم زیادی از آتش و خمپاره دشتنم رویه‌رو شدند. شهید عباسی هم پس از ساعت‌ها رشادت و جنگیدن، با اصابت گلوله زخمی می‌شوند. هنگامی‌که هم‌زمان شهید می‌خواستند مجروحان را جابه‌جا کنند و به ماشین برسانند، مجدداً مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند. خبر شهادت‌ت‌ش را فرمانده سپاه ملارد، امام جمعه ملارد و دیگر مسئولان به ما دادند. آن لحظه، لحظه بسیار سخت و غیرقابل وصفی بود. قطعاً اگر عنایات خداوند متعال و حضرت زینب(س) نبود، توان تحملش برای من خیلی سخت بود. همیشه می‌گفتم بعد از رضا زندگی منم، اما بعد از این واقعه همیشه به آن حضرت متصل می‌شوم و واقعا به من آرامش می‌دهند.»

### پوتین بیت‌المال

در پایان همسر شهید جاویدالاثر رضا عباسی اینگونه روایت می‌کند: «زمانی که وسایل و وصیتنامه شهید را تحویل گرفتم، علاوه بر لباس‌های اقا رضا یک چغیه، تنسیخ، مهر و یک زیارت عاشورا بود. میان وسایل یک پوتین سالم هم بود که یکی از هم‌زمان آقا رضا گفت با همان پوتین‌های دوره آموزشی به سوریه و جنگ رفت. چون می‌گفت پوتین دوره آموزشی هنوز سالمند و حیفت است که پوتین دیگری بپوشم.»

## دا



می‌کرد.

شهید بسیار دغدغه حفظ حرم مطهر حضرت زینب(س) را داشت و بعد هم از مظلومیت مردم سوریه نراتح نشد. نمی‌توانست بی‌دفاعی و بی‌بناهی زنان و کودکان سوری در مقابل داعش را ببیند. مدام به پایگاه بسیج محل فعالیتش مراجعه می‌کرد که هر چه سریع‌تر به سوریه اعزام‌شان کنند. دو سال پایایی پیگیری کرد، اما جوابی که می‌شنید این بود شما نظامی نیستی و وظیفه‌های در قبال این کار هیچ هزینه‌ای بردار نبود و بعد از تلاش‌های فراوان موفق شد، راهی شود.»

### صدقه برای سلامتی آقا

همسر شهید در ادامه می‌گوید: «رضا از اخلاق حسنه و نیکویی بر خوردار بود، چنانچه مهمان‌نوازی و خوش اخلاقی‌او در میان اقوام و دوستانش زبان‌زود بود. ایشان از طعام شهبه‌ناک جدا خودداری در حلال و حرام را در تمامی مسائل زندگی رعایت می‌کردند. در هر جلسی که بوی

### نمای نزدیک

## دل‌واژه همسر شهید در خصوص مفقودی پیکر ایشان



هر روز خجری می‌شنویم، می‌گویند پیکر شهیدای مدافع حرم از خاک غریب‌شام به وطن بازگشته‌اند. خودمان را آماده و مهیا می‌کنیم. آماده خبر آمدنت… خبری که روزها و ماه‌هاست به انتظار آن نشستیم.ایم از راه نمی‌رسد. منتظر آمدنت هستم و می‌دانم که همیشه هستی و زندهای، اما نمی‌دانم کجا تو ملاقات کنی؟ برسی درد دل با تو کجا بروم، کنار قبر کدام شهید گمنام بنشینم و کجا مهمان خانه تو شوم، می‌دانم شما در آمدنت هم فداکاری می‌کنی، شاید دعا و صلاحت این باشد که اول خانواده شهدا و مادران

که شفاعت تو شامل حال ما هم بشود.

### قلبی و عهد عالی ایشان در زندگی رضایت

امام زمان(عج) بود، این را می‌توانستم به خوبی در میان لطفتا همراهی با ایشان حس کنم، بیشتر سفرهای ما زيارتی بود، از ساعتی که از منزل حرکت می‌کردیم همیشه به اقتضای شغل‌شان که مکانیکی بود، وسایل کارشان را

یاری‌دهنده امام زمانش باشد. معتقد بود حضور در جبهه مقاومت یک قدم در ظهور منجی است، وقتی متوجه شد حرم عمه سادات در خطر است، زن و زندگی را رها کرد و رفت تاجر کارشان را از خود حضرت ولی عصر(عج) بگیرد. صحنه‌هایی که از سوره در تلویزیون می‌دید بسیار ناراحتش

۱	۶					۵
						۹
			۳	۴		۲
			۸	۳		۵
					۷	۲
			۶			
				۵	۲	۶
				۷		۴
				۳		۵

### با سخ جدول شماره ۶۵۶۳

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۶۴

## از راست به چپ

۱- تصدیق روسی- فرزند اعتصام‌الملک، از زنان شاعره که دیوان اشعارش بارها چاپ شده است■ ۲- مهره شطرنج- مقدار اندکی از غذا- ضمیر وزنی- گرمی و حرارت دادن■ ۳- پول چین- از لوازم نظافت- فرمانده بدن- اراده و عزم قوی■ ۴- لباس جراحان- گهواره متحرک- طرف و جانب■ ۵- اراده- حشره اجتماعی- از درختان جنگلی- نوعی شیرینی■ ۶- ماده بیهوشی- نادر و کمیاب- از حیوانات تیز پا- هر فصل از کتاب■ ۷- از نوادگان چنگیز که جانشینان او سلسله ایلخانی را تشکیل دادند- شهر مرزی خراسان رضوی■ ۸- نوعی رنگ مو- اسم آذری- سیله- آش- عید وینتامی‌ها■ ۹- پاکدامنی- واژه‌ای روسی به معنای فضای باز سیاسی■ ۱۰- تیم فوتبالی در یونان- وسیله محاسبات نجومی- از از کان نماز معدن■ ۱۱- تاقچه بالا- از شهدای مؤلفه- فرقه‌ای مذهبی در هند- کافی■ ۱۲- سالخورده- تربیت خانوادگی- شیرینی کرمانشاه■ ۱۳- نخست‌وزیر سابق انگلیس- خمیس- نفس‌سوزناک- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد■ ۱۴- شیار داخل لوله تنگ- جدید- کالای بی ارزش و نامرغوب- ساز جاری■ ۱۵- از آثار جلال آل احمد که در خصوص مسائل مربوط به ملی شدن صنعت نفت ایران، البته به صورت داستانی تمثیلی نوشته شده است- هلاک‌ناپودی

## از بالا به پایین

۱- کتاب اطلاعات عمومی- خاشاک■ ۲- نوشابه قدیمی- یار کارتونی پت- صاف و روشن- کجش به منزل نمی‌رسد■ ۳- نوعی خطا یا اشتباه در اجرای نرم‌افزار- راه شاعرانه- صدمه- نمر■ ۴- نیکویش ماندنی است- سخن بی‌عمل- جوش‌های ریز بدن■ ۵- نقش تئاتری- داماد- از سوره‌های مکی- سایه■ ۶- گویند طلاست- گوسفند جنگی- گیاه نشده- ضربه فوتبالی■ ۷- سمت راست- اسب امام حسین در روز عاشورا■ ۸- جواب دلسردکننده- سخن صریح- فضای خالی از هوا- سلطه و نفوذ- ریش■ ۹- نخستین رئیس جمهور چین- جاده فرودگاه■ ۱۰- مدت زندگانی- پول دو کره- آخرین کلمه قرآن- بدگویی کردن■ ۱۱- واحد وزن سنگین- رنگ طبیعت- فروشگاه کوچک و لوکس پوشاک- مقابل علیه■ ۱۲- خورشید- حشره خون‌آشام- یک حرف و سه حرف■ ۱۳- سلاح خطرناک- بغل- حمله نظامی- جوهر بدن■ ۱۴- مجانی- حرکت سریع اسب- مایه حیات- چوب گردن گاو شمزرن■ ۱۵- علامت مصدر جمعی- پنهان‌ترین کشور خاورمیانه